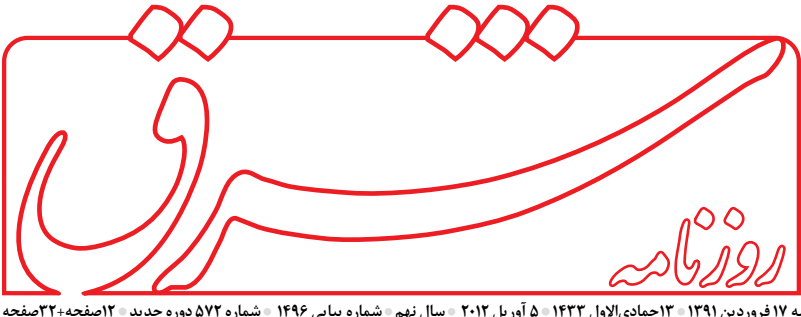




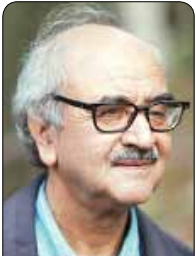
روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹-۱ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۴۳۳-۲۲
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰
چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۸۰۶۲۷۶
www.sharhnewspaper.ir

تهران : آذان ظهر ۷:۰۰ آذان مغرب ۱۹:۴۸ آذان صبح فردا ۵:۱۷ طلوع آفتاب ۶:۴۴



پنجشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۹۱ | ۱۳ جمادی‌الاول ۱۴۳۲ | ۵ آوریل ۲۰۱۲ | سال نهم | شماره پیاپی ۱۴۹۶ | شماره ۵۷۲ دوره جدید | ۱۲ صفحه+۲۲ صفحه ضمیمه

کتاب تازه‌ای از شفیعی کدکنی منتشر شد



ایسنا: کتاب جدید شفیعی کدکنی با نام «پا چراغ و آینده» در جست‌وجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران» در ۷۶۸ صفحه با قیمت ۲۷ هزار تومان از سوی نشر سخن منتشر شده است. محمدرضا شفیعی کدکنی در این کتاب به بررسی تأثیر ترجمه آثار ادبیات جهان بر شعر معاصر فارسی می‌پردازد. او در این کتاب به تبیین زمینه‌ها و چگونگی تأثیر ترجمه بر شعر معاصر ایران می‌پردازد. شفیعی کدکنی این کتاب را به ایرج افشار تقدیم کرده است.



سفر نامه آبراهام

داغوونوم؟!

پیمان مقدم

■ «ابراهیم رودریگز» ملقب به آبراهام تبعه ونزوئلاست که والدین ایرانی داشته. او سال‌ها زیر سایه تبلیغات سسنگین ضد ایران در آمریکا تحصیل کرده اما بر اساس آنچه شنیدم و خوانده همیشه در آرزوی بازگشت به وطن بوده. یادداشت‌هایی که می‌خوانید روایت اوست از سفرش به ایران و آنچه به چشم می‌بیند...

■ ■ ■

آغاز سال جدید را برای اولین بار در عمرم در خانه پدری جشن گرفتیم. در ملت این سفر به میهن پدیده‌های عجیب و غریب زیادی دیده‌ام که سبب حیرتم شده است. عموجان خیلی مراقب بود که مبادا دلار وقت جوگیر شوم و به دلیل این جشن به دیگران دلار عیدی بدهم. خودتان بهتر می‌دانید که از یک ماه به آغاز سال مانده تا یک ماه پس از سال جدید همه در کوچه و بازار عیدی طلب می‌کنند. در میهن من خیلی‌ها برای کارهایی که وظیفه سازمانی‌شان است و به خاطرش هم حقوق دریافت می‌کنند باز هم تقاضای جوجهی تحت عنوان پول چایی و شیرینی بچه‌ها و انعام هر چی کرم‌تان است را مطرح می‌کنند. شما وقتی ماشین‌تان را به کارواش می‌برید یا به می‌خواهید مالیات و عوارضی را پرداخت کنید یا میتی را برای دفن به قبرستان منتقل می‌کنید در طول مراحل مختلف با آدم‌های گوناگونی سر و کار خواهید داشت که هر کدام تا عیدی نگیرند اساسا پشیمان باز نمی‌شود و روی دور نمی‌افتند. مساله دیگری که در نوروز کشف کردم این است که هم‌وطن‌های من چند برابر نیاز این روزها میوه و آجیل و شیرینی می‌خرند. وقتی هم برای دید و بازدید به منزل کسی می‌روید به صورت سریالی چند مدل خوراکی را پیش روی‌تان می‌چینند و مسلسل‌وار به شما تعارف می‌کنند که هم شیرینی و چای بخورید و هم پسته و تخمه بشکنید و هم کیوی و پرتقال پوست بکنید و اگر نخورید حتما مقصود خاصی داشته‌اید. بچه‌های کوچک و عمداً شیطان فامیل هم پای ثابت چالش‌زایی و کاتون بحران میهمانی‌های نوروزی هستند. به‌خصوص برای عموچانی که روی نظم و ترتیب و تمیزی حساس است. در آستانه نوروز تمام دیوارهای خانه‌اش را داد نقاشی کردند و حالا تصور کنید کودکی را که با دست‌های چرب و چپلی خود ستون‌های رنگ شده را مورد نققد قرار می‌دهد و ظرف‌های میوه و آجیل را وازگون می‌کند و پدر و مادرهای خونسردی که روی میل لمبیه‌اند و در حین تماشای کلاقمرزی ریسه می‌روند و از همان راه دور هم از آرایه هشداد به آتشپاره خود دریغ می‌ورزند. عموجان مجبور بود در بیشتر موارد با چشم‌غره و ایما و اشاره ابروهای گره‌خورده خود تلاش نویماندای را برای مهار کودک نابودگر انجام دهد. عموجان معتقد است که «اساساً دنیا دگرگون شده است. ما که بچه بودیم چشمان به چشم مرحوم پدرمان بود که مجوز می‌دهد به شیرینی لب بزنیم یا نه. اگر یک وقت دو تا شیرینی بر می‌داشتیم ۲۰۰ روز با فلک داغوونو مان می‌کردند! (یاد حرف‌های کسی نمی‌افتد؟) حالا این خرس‌های گنده نشست‌ه‌اند پای تلویزیون برای یک عروسک ریسه می‌روند و خجالت هم نمی‌کشند. بچه‌های این روزگار اساساً انگار غول کامپیوتری به دنیا می‌آیند.» ایام نوروز هم مثل تمام سال بر است از بحث‌های سیاسی و یک‌کلاغ چهل کلاغ کردن‌های معمول که باب اتفاقات سال گذشته و پیش‌بینی پیشامدهای خاتمان برانداز در سال جدید انجام می‌شود. نکته دیگری هم که از خواص ایام نوروز است تعطیلی کامل جریان اخبار و فعالیت رسانه‌ای است. ممکن است در همین تعطیلات طولانی در یک سازمان محل مناقشه، مدیری خیلی هم فعال باشد و ۱۵ مشاور را منصوب کند اما رسانه‌ها تا فردای روز طبیعت دست از خواب‌بهری بر نمی‌دارند. عموجان وقتی سبزه‌ده بدر کرد و جوجه‌کباب را بر بدن زده لبخند ملیحی به لب آورد و گفت: «خوب است که عمر تعطیلات کوتاه است و گر نه له له می‌شدیم.» خدا کند مردم و مسوولان فقط تکه‌کلام‌های آقای «هم ساده» را از بر شده باشند...

ادامه دارد



کافه پیشنهاد

طعم ولگردی در سینما پارادیزو

عسل عباسیان

است و هم تماشا برای کسانی که داستان‌خوان حرفه‌ای هستند.



سامان سالور کارگردان جوانی است که با فیلم «سینمایی «چند کیلو خرما برای مراسم تدفین» شناخته شد و سال گذشته هم به خاطر فیلم «سبزه ۵۹» روی بلیوردهای شهر، نامش به چشم می‌خورد. آقای کارگردان که اولش می‌خواست فیلم «آرتیست» را که از اسکاری‌های امسال بود و بازیگر مردش هم «ژان دوژاردن» جایزه بهترین بازیگر مرد اسکار را از آن خود کرد و روایتی از عشق به سینمای اصیل دارد پیشنهاد کند، اما تصمیم گرفت به جای این پیشنهاد از «سینما پارادیزو» به کارگردانی جوزپه تورناتوره بگوید و عشق جاری آن به پرده نقره‌ای. فیلمی که محصول ۱۹۸۸ کشور ایتالیاست اما درعین کلاسیک و نوستالژیک بودن، هنوز هم به طرز تازه‌ای عشق به «سینما» را بیان می‌کند. خیلی‌ها می‌گویند شاید این فیلم اتوبیوگرافی کارگردانش باشد اما سامان سالور معتقد است که داستان این فیلم حکایت همه کسانی است که عاشق سینما و تصویر هستند. فیلمی که هرگز تکرار نشد و مانند بسیاری از فیلم‌های استادانی چون مهرجویی، تقوایی یا کیمیایی ما را درگیر نوستالژی بی‌پایان خودش می‌کند. چه آنکه سال‌هاست که این فیلم در فهرست‌های مختلف «صد فیلم برتر» منتقدان و کارگردان‌های بزرگ دنیا قرار دارد و واقعاً باید قبل از مرگ آن را حتماً نه یک‌بار، که چندین بار مرور و حتی زندگی کرد.

میهمانان اولین کافه سال نودویکمان دو فیلم و دو کتاب برای روزهای نخست بهار پیشنهاد دادند.



حسین ستایور که نویسنده داستان به یادماندنی «حیمة غایب» است مجموعه داستانی از محمد عطاربانی را که حدوداً یکی، دو ماه است منتشر شده پیشنهاد می‌دهد که این کتاب شامل هفت داستان عموماً در فضایی محلی و قدیمی است. به گفته ستایور داستان‌های این کتاب بسیار متکی به قصه هستند و افرادی که داستان‌های قصه‌پرداز را بیشتر می‌پسندند، حتماً از مطالعه «طعم ولگردی پشت این دیوار» که مدتی پیش نشر گل‌مه‌ر آن را روانه بازار کتاب کرده، لذت خواهند برد. پیشنهاد بعدی حسین ستایور یک مجموعه سه جلدی است با عنوان «داستان کوتاه در ایران» که به کوشش دکتر حسین پاینده گردآوری شده و بررسی داستان کوتاه ایرانی در دو، سه دهه گذشته است. این کتاب می‌تواند گنجینه مناسبی باشد برای آنها که داستان‌نویس هستند یا داستان را جدی‌تر از سایرین دنبال می‌کنند. چراکه در هر جلد از این مجموعه به بررسی داستان «ژال»، «فشدن» و «سپامدرن» پرداخته شده که با مطالعه آن خواهید توانست اطلاعات و تحلیل‌های تازه‌ای درمورد این سه سبک داستانی ایران به دست آورید. در هر جلد از این کتاب داستان‌هایی از نویسندگان مختلف نظیر بهرام صادقی، ابوتراب خسروی یا حسن شهبسورای همراه با تحلیل سبک داستان‌ها آورده شده و به نوعی هم فال

شاملو، بارگاس یوسا و استالین موجب شدند

خبرسازی کتاب از تهران تا مسکو

پوریایوری

شاید اینکه نمایشگاه کتاب تهران در اردیبهشت‌ماه برگزار می‌شود خود دلیل مناسبی باشد که از بازار نه‌چندان خوش آب و رنگ کتاب ایران خبرهای دلگرم‌کننده بشنویم. بالاخره بهار است و فصل و سال تازه، مگر نه زمستان که با خود فقط خبر توقیف کتاب‌ها و تعلیق نشرها و خانه‌نشین شدن نویسندگان و شاعران را به همراه داشت.

کتاب کوچه به حرف «چ» رسید

باری بهار رسیده با خبرهای خوب، با خبر انتشار کتاب تازه شفیعی کدکنی و خبر تکمیل شدن متن جلد دوازدهم کتاب کوچه اثر زنده‌یاد احمد شاملو.

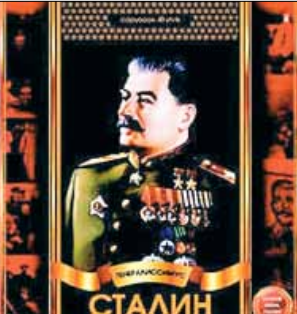
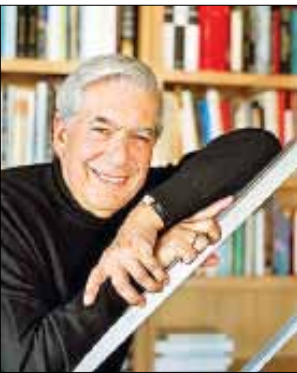
مهرداد کاظمی‌زاده (مدیر و صاحب‌امتیاز نشر مازیار) در گفت‌وگویی با ایلنا، اظهار داشته است: متن حرف «چ» تمام و کمال است و جلد دوازدهم کتاب کوچه، ظرف یکی، دو ماه آینده مراحل فنی اعم از حروف‌چینی، صفحه‌بندی و افزودن تصاویر و علامت‌ها را پشت سر می‌گذارد. کاظمی‌زاده که بیشتر بر اثر خالص بودن متن جلد دوازدهم، آنچنان‌که صرفاً و مطلقاً دست‌نوشته‌ها و فیش‌های زنده‌یاد شاملو را شامل شود، تأکید و پافشاری داشت، گفته است: هر آنچه در این حرف «چ» در جلد ۱۲ خواهد آمد؛ دقیقاً و کاملاً نوشته شاملوست و حتی بخش‌های محدودی که ناقص مانده‌اند، با جای خالی منتشر می‌شوند. چراکه من معتقدم به حکم امانتداری؛ باید تنها نوشته‌های شاملو را به نام او منتشر کنیم، به عبارت دیگر هیچ‌کس نباید جمله و حتی کلمه‌ای را به میراث این شاعر بزرگ اضافه کند.

مدیر نشر مازیار ضمن ابراز امیدواری جهت اخذ مجوز برای جلد دوازدهم کتاب کوچه از ارشاد، افزوده است: همانطور که پیشتر نیز گفته‌ام، ما کار خودمان را انجام می‌دهیم و امیدواریم مشکلی در روند انتشار این مجموعه عظیم و ارزشمند به وجود نیاید. ضمن آنکه حروف بعدی این مجموعه نیز درحال حاضر به سرپرستی آیدا شاملو درحال جمع‌آوری و آماده‌سازی است که متعاقباً در سال جاری، پس از اتمام کار جلد دوازدهم، به

سراغ آنها رفته و جلدهای بعدی را برای انتشار آماده خواهیم کرد.

یوسا کتاب هدیه می‌دهد

حالا که حدیث یار است و صحبت کتاب، مسلماً برای‌شان جالب خواهد بود بدانید امروز که دغدغه اهالی فرهنگ ایران وای تمام مشکلات، چاپ بی‌کم و کاست میراث بازمانده فکری و قلمی احمد شاملو است، در حالی که محمود دولت‌آبادی نویسنده بزرگ ایرانی در تب و تاب انتشار یا عدم انتشار آخرین اثرش «کلنل» است، در گوشه‌ای دیگر از جهان، همتای وی «ماريو بارگاس یوسا»، نویسنده سرشناس برنده نوبل ادبیات که دغدغه‌ای پیرامون انتشار آثار و همینطور اقتصاد زندگی‌اش ندارد، در بیانیه‌ای اعلام کرده است ۳۰ هزار جلد کتاب از کتابخانه شخصی خود را به مردم زادگاهش در پرو هدیه می‌کند. شادمانی بزرگی است برای مردمان آن سرزمین!



از مقامات رسمی این کشور نیز اذعان داشته است: استالین یک جنایتکار بود، یک ظالم خون‌خوار. اگر این دفترچه‌ها به مدارس برسند، کودکانی که هنوز درباره تاریخ چیزی نمی‌دانند ممکن است فکر کنند می‌توان تعداد زیادی از مردم را کشت، اما هنوز بزرگ بود و این تصور بسیار خطرناک است. با وجود این انتقادات اما گویا هنوز در کشور روسیه می‌توان نظری مخالف نظرات مقامات رسمی چاپ و نشر این کشور داشت و همچنان به کار ادامه داد و حتی از ایده خود هم دفاع کرد. کما اینکه مدیر اداره هنری این انتشارات محصولات نشرش را مفید، محبوب و از لحاظ مالی موفق خوانده و در این‌باره گفته است: مجلس عمومی روسیه یک بدنه قانون‌گذار نیست و نظر شخصی نمایندگان خود را در این‌باره اعلام کرده است و این عقیده در تضاد کامل با نظر اکثریت شهروندان روسی است.

پیشخوان

یاور پنهان

ایرج کریمی



■ در دوران پس از فروید، برداشت‌های سخیف از اندیشه‌های او درباره ناخودآگاه و رویا به انبوهی از فیلم‌ها، رمان‌ها و دیگر تولیدات مبتذل در بازار فرهنگ و هنر و سرگرمی میدان داده که آن اندیشه‌ها را بهانه صحنه‌های جنسی ابلهانه و سطحی قرار داده‌اند. این برداشت‌ها همگی بر این اساس بوده‌اند که ناخودآگاه صرفاً انبانی از تمایلات واپس‌زده یا سرکوفته انسان است. در مقابل، روان‌شناس و روانکاو بزرگ سوییسی، کارل گوستاو یونگ، گفته‌ای طلایی در این زمینه دارد: «ناخودآگاه زباله‌دان خودآگاه نیست». خانم دکتر «دیردرا بریت» استادیار روان‌شناسی در دانشکده پزشکی هاروارد است. وی نویسنده کتاب مشهور «مرد آستن و دیگر موارد از کانایه هپینوتیزم درمانی» و تدوینگر کتاب علمی «آسیب روحی و رویا» است. خانم بریت رییس پیشین «انجمن مطالعه و رویا» و سردبیر ژورنال بین‌المللی رویا دین است. در کتاب «کمیتة خواب» ضمن آنکه چندبار همان اعتقاد یونگی را با بیان‌های متنوعی ابراز می‌کند اما از آن هم فراتر می‌رود. او از ناخودآگاهی شعورمند، همراه و همدل سخن می‌گوید که با زبان رویاها به یاری خفتگان می‌آید تا به حل مسایل ایشان کمک کند یا یک تنه خودش مسایل را حل کند. این یاور کیست؟

بخشی پنهان و ناشناخته و مرموز – ولی با حسن‌نیت تمام – از خود ما یا سروشی سراپا جدا از ما؟ او هر که باشد ظاهراً و دست‌کم در فرهنگ‌های غربی بیگانه به زبان جادویی و خوب رویاها – که اریش فروم از آن با عنوان «زیان از یاد رفته» یاد می‌کرد – ارزش غافل مانده‌ایم. و نکته مهم‌تر این کتاب، مهم‌تر از کشف این «یاور» که با پرداختن به جنبه‌های چنین کشفی با شاهد آوردن از انبوهی از رویاها – رویاهایی از مردم عادی گرفته تا شخصیت‌های سرشناس تاریخی، علمی، سیاسی یا هنری – میحث «کاشت رویا» است. به این معنا که هرکسی به اراده خود و با رعایت رهنمودهایی که کتاب می‌دهد آن «یاور» را – که در کتاب عنوان «کمیتة خواب» را دارد – به کمک فرابخواند. در این صورت «رویا» دیگر یا فقط، رویدادی تصادفی در زندگی انسان نخواهد بود. بنابراین می‌توان حالا به استقبال این «یاور» رفت یا به بیان دقیق‌تر، می‌توان به او فراخوانی برنامه‌ریزی شده داد تا در زمینه حل مسایل یا تصمیم‌گیری‌های دشوار به آدم کمک کند. این کتاب، ترجمه برادرم بیژن است که در موخره، خودش را به قدر کافی معرفی کرده است. او ساکن آمریکاست و یک‌بار در گفت‌وگویی تلفنی از این کتاب که تازه درآمده و او خوانده بود برایم صحبت کرد. من آن‌قدر کنجکاو و مشتاق شدم که پیشنهاد ترجمه‌اش را به او دادم و بعداً که ترجمه را بخش‌به‌بخش برایم می‌فرستاد، در طول ویرایش، آن را حتی جذاب‌تر از چیزی که تصورش را کرده بودم، یافتم. به خواننده علاقه‌مند توصیه می‌کنم موخره بیژن را بخواند تا با وجوه علمی دیگری از همین میحث و با آخرین مباحث و پژوهش‌ها در این زمینه آشنا شود.

